

دوفصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: ۸۶۲۲۷ Article Number: ۷۲۵۳۰۳۰۲ ISSN-P: ۲۷۱۷-۱۱۳۲

خلاء قواعد محیط زیستی در حقوق تجارت بین الملل

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۳/۱۲)

جواد رنجبرزاده^۱

دکتر عسکر جلالیان

معاون پارلمانی دانشگاه پیام نور کشور و وزارت دادگستری

چکیده

افزایش بی رویه جمعیت و محدودیت منابع در دسترس به منظور رفع نیازها باعث شده تا هر چه بیشتر منابع طبیعی و محیط زیست این کره خاکی در معرض آسیب و دست اندازی انسان قرار گیرد. از آنجایی که هر آنچه نیاز داریم را باید در درون اتمسفر زمین و روی همین بستر خاکی که گهواره‌ی حیات ماست تامین کنیم، نوعی دوگانگی را در تداوم حیات بشری بوجود آورده است، تضادی که به دور باطلی می انجامد. این تضاد با ترکیب شدن با حرص و طمع برخی از افراد در هنگام تهیه و توزیع نیازمندی‌های جوامع سبب شکل‌گیری یک دور تسلسل در آسیب به محیط زیست و انسان می‌شود. در سطح جهانی برای کنترل رفتارهای مخرب و قاعده مند کردن روابط تابعان حقوق بین الملل قواعد و قوانین متعددی وضع شده که هر چند فاقد ضمانت اجرای معتبری هستند اما بازهم توانسته به جامعه‌ی جهانی نوعی نظم ببخشد. اما در مورد تجارت بین المللی مخصوصاً در بین افراد حقوق خصوصی در حقوق بین الملل محیط زیست خلاء جدی مشاهده می‌شود. در این مقاله سعی شده است تا حتی الامکان این خلاء با تکیه بر حقوق بین الملل در حوزه های مختلف در حقوق تجارت بین الملل نمایش داده شود.

واژگان کلیدی: تجارت بین الملل، حقوق بین الملل؛ دولت، شرکت‌های چند ملیتی، کنفرانس بین المللی، محیط زیست، مقررات زیست محیطی

^۱ نویسنده مسئول

مقدمه

از آنجایی که هر آنچه نیاز داریم را باید در درون اتمسفر زمین و روی همین بستر خاکی که گهواره‌ی حیات ماست تامین کنیم، نوعی دوگانگی را در تداوم حیات بشری بوجود آورده است، تضادی که به دور باطلی می‌انجامد. از آنجایی که بشر موجودی اجتماعی است و به تنهایی توان تهیه نیازهای خود را ندارد ناچار در طول تاریخ ناگزیر به تقسیم کار برای این نیازهای خود شد و هر کس به اندازه توان و براساس استعداد و داشته‌های مادی و معنوی‌اش سهمی در قبال تامین آنها بر عهده گرفت. در این میان و براساس همین تقسیم کار و وظایف عده‌ای نیز به عنوان واسطه موظف به داد و ستد و یا به عبارتی دیگر دست به دست کردن نیازمندی‌ها میان افراد جوامع گردیدند و به همین ترتیب شغل یا گروه شغلی تحت عنوان تجارت و بازرگانی شکل گرفت. امروزه کمبود منابع در دسترس چالش بزرگی برای بشریت بوجود آورده و رشد تکنولوژی و مصرف‌گرایی به آن ابعاد و دامنه‌های وسیعتری داده که رفع آنها به هر شکل نیازمند دست‌اندازی‌های بیشتر انسان به محیط زیست خود است. از آنجایی که هنوز توان این را نیافته‌ایم تا مایحتاج خود را از خارج از این کره‌ی خاکی تامین نموده و امکان یافتن و انتقال نیازها از سایر کرات و ستارگان را در فراسوی اتمسفر زمین مهیا نماییم به ناچار باید به منظور استفاده‌ی بهینه از منابع محدود جهت تطبیع نیازهای اولیه و ثانویه بشر و رفع خطر از محیط زیست که فضا و مکان لازم برای زیستن را در اختیار ما نهاده با تعقل، دور اندیشی و سختگیری بیشتری رفتار نمایم و اقدامات خود محدود سازی را برای مدیریت مصرف اعمال نماییم. از آنجایی که در تامین نیازهای انسان مرزهای سیاسی و جغرافیایی علی‌الاصول در همان محدوده‌ی سیاسی خود باقی مانده و امکان توقف داد و ستد های بازرگانی را به شکل موثر و مداوم ندارند بنابراین لازم است تا این اقدامات خود محدود ساز را نیز در این عرصه‌ی مهم تحت عنوان قواعد حقوقی آمره و یا تکمیلی تسری دهیم. در این مختصر نوشتار سعی بر آن داریم تا این خلاء موجود را هویدا نماییم.

بخش اول: رشد روز افزون تجارت بین المللی

با افزایش جمعیت شاهد افزایش تصاعدی سطح تجارت بین المللی در دنیا هستیم. به عنوان مثال پس از فروکش کردن جنگ جهانی دوم و شروع بازسازی ویرانی‌های ناشی از

آن کشور موجود نمی‌باشد، لاجرم باید هزینه این ارزش افزوده به کالای تولیدی از مواد اولیه خود را به علاوه سایر هزینه‌های حمل و نقل و سوداگری تجاری پرداخت نمایند و این امر یعنی به ازای هر واحدی که در کشور خود می‌توانستند تولید کنند باید دو واحد مواد اولیه طبیعی ارسال نمایند و این یعنی استفاده بیش از ظرفیت از طبیعت و در نهایت ایجاد خسارت به محیط زیست. گذشته بر این موضوع، با توجه به ارزش افزوده‌ی حاصله و اینکه برداشت از طبیعت معمولاً ساده‌ترین و ارزانه‌ترین راه تامین دارایی‌های فیزیکی برای بشر می‌باشد، این امر برای کشورهای فقیر و کمتر بهره‌مند از توانایی‌های تکنولوژیکی، بهترین راه حل تامین نیازهای مصرفی است و برای کشورهای صنعتی و ثروتمند ساده‌ترین راه افزایش ثروت تلقی می‌شود. چه بخواهیم و چه نخواهیم باید نیازهای خود را از طبیعت تامین کنیم و مواد اولیه مورد نیاز برای ارائه خدمات و محصولات تولیدی خارج از جو زمین وارد نمی‌شوند و بالاجبار بشر نیازمند طبیعت و وجود آن نیازمند احترام به محیط زیست یا همان طبیعت پیرامون انسان است. همین چرخه تولید ناشی از بی عدالتی اقتصادی - فنی که در بالا ذکر آن رفت، یا به عبارتی عدم تساوی در بهره‌مندی از فنون و دانش علمی در بهره‌برداری از وسایل مدرن که باعث عدم ایجاد ارزش افزوده مناسب برای صادر کنندگان منابع طبیعی یا مواد خام می‌شود و بدتر از آن نبود استعدادهای لازم یا کشتن فرصت‌های رشد و شکوفایی این استعدادهای لازم می‌شود و تدبیر و تدبیر در امور سیاسی و به تبع آن اقتصادی است، باعث می‌شود؛ کشورهای فقیر و کمتر توسعه یافته همواره در حفظ نظام طبیعت و سلامت محیط زیست خواه در عرصه‌ی ملی و خواه بین المللی شاهد نقایص عمده و کوتاهی‌های اساسی باشند. ماجرا آنجا بدتر می‌شود که « کشورهای شمال برانند که مساعد خود را به اجازه‌ی دسترسی خویش به مواد خام با ارزش از سوی کشورهای جنوب و وابستگی سیاسی آن کشورها منوط کنند» (زمانی؛ سید قاسم؛ ۱۳۹۸: ۴۲). از یک طرف، صنایع تولیدی کشورهای شمال سبب ایجاد آلاینده‌ی در محیط زیست می‌شوند که تبعات آن مانند انتشار گازهای گلخانه‌ای و گرم شدن زمین، دامن شهروندان کشورهای جنوب را می‌گیرد و از طرف دیگر برداشت‌های بی رویه از منابع طبیعی سبب بروز آسیب‌های جدی به محیط زیست شده، آثاری مانند تغییرات اقلیمی، فرسایش خاک، ایجاد توفان‌های گرد و خاک، سیل‌ها و تندبادهای مهیب امنیت، رفاه و بهره‌مندی از یک زندگی سالم را از شهروندان کشورهای شمالی سلب می‌نماید. این فرایند در خصوص کشورهای

فقیر بیشتر ملموس می‌باشد. «اکتون تعداد فقرا در جهان بیش از هر زمان دیگری است، (حدود یک و نیم میلیارد نفر). اغلب فقرا در نقاطی از جهان زندگی می‌کنند که با یک محیط زیست تخریب شده مواجه هستند و در برخی موارد خود آنها در تخریب محیط زیست خود سهیم‌اند» (شیخ حسنی، حسین، ۱۳۹۵: ۵). چنانچه این روند به شکل صحیحی مدیریت نگردد و با رویکردهای نوین توسعه مدارانه‌ی مبتنی بر حفظ محیط زیست به ویژه براساس توصیه‌های عملی مندرج در دستور کار کنفرانس ریو +۲۰ به ویژه با اعمال قوانین بین‌المللی ترجیحاً امره تحت نظم و کنترل در نیابند، می‌توانند به کل بشریت که نسل‌های آتی را نیز شامل می‌شود، صدمات جبران ناپذیری وارد نماید.

بخش سوم: تضادهای موجود در منافع تجاری و منافع محیطی

برای تجارت عوامل و انگیزه‌های متعددی مطرح می‌شود اما اساسی‌ترین آنها سودآوری و به عبارتی دیگر، مهمترین چالش در انجام یک معامله تجاری برآورد سود و زیان و پس از آن ویژگی‌های بازار هدف است. یک تاجر در معاملات تجاری وی ا یک تولید کننده در اقدام به فروش کالا یا تامین مواد اولیه مورد نیاز پس از چرتکه اندازی و برآورد میزان سود شرایط بازار و ریسک‌های موجود در آن را به دقت بررسی می‌کند. تجارت را معمولاً یک بازی برد - برد می‌شناسند که هر دو سوی آن بنا بر داعی و انگیزه‌ی خود از آن معامله پس از مذاکرات کوتاه یا بلند مدت به دفاعی از ارزش عضویت می‌رسند که انجام آن به نفع هر دو طرف باشد، اما این حالت علی‌الاصول فیما بین دو شخص، خواه حقیقی یا حقوقی اتفاق می‌افتد و در این حالت هر یک از آنها امکان عدم انجام معامله را برای خود محفوظ خواهند داشت و وقتی آن را سود آور ندانند به آن تراضی نخواهند نمود. اما گاهی پیش می‌آید که در موضوعات تجاری، تولیدی تجاری و داد و ستدهای عمده در سطوح بین‌المللی و فرا ملی بجز دو سوی معامله عامل سوم هم هست که از تراضی آنها سود یا ضرر کسب می‌کند. این عامل سوم جامعه و محیط پیرامونی بشر است که به شکلی پنهان و گاهی هم آشکارا از روابط تجاری تاثیر می‌پذیرد. مثلاً در یک قرارداد منعقد شده جهت تامین برخی کالاهای اساسی بین دو تاجر در نگاه اول شاهد منفعت جامعه به دلیل سهولت دسترسی مردم به آن کالاها از یک طرف و کسب درآمد و سود و متعاقب آن، همینطور ایجاد اشتغال و افزایش درآمد سرانه‌ی داخلی از طرف دیگر هستیم. در حالت عادی هنگامی که زیان

متصوره به سمت تاجر یا فعال اقتصادی باشد، طبیعتاً داد و ستد شکل نمی‌گیرد اما وقتی در انجام یک معامله جامعه یا محیط زیست پیرامون طرفین متضرر می‌شود، همیشه اینچنین نبوده و در بسیاری مواقع علیرغم خسارات وارده به محیط پیرامونی جامعه که طبعاً دامن معامله کنندگان را نیز به شکل مستقیم یا غیر مستقیم خواهد گرفت، داد و ستد به وقوع می‌پیوندد. به عبارتی در تضاد بین منافع شخصی و اجتماعی آن هم در تجارت بین الملل که بنا به وسعت قلمرو و تعداد بازیگران، امکان مخفی ماندن تجارت و لوث نشدن اعتبار تجاری اقدام کنندگان وجود دارد، منافع زیست محیطی جامعه به راحتی فدای منافع و مطامع شخصی می‌گردد. در جایی که رابطه‌ی تجاری به وسیله‌ی دولت‌ها شکل می‌گیرد نیز امکان این که شاهد تضاد منافع اقتصادی با محیط زیست باشیم وجود دارد. تضاد منافع وقتی بیشتر به چشم می‌آید که با معطل نابرابری اقتصادی به ویژه نابرابری در رشد و توسعه‌ی اقتصادی هم در حوزه‌ی ملی و هم در چارچوب بین‌المللی روبرو باشیم. در چنین حالتی وقتی که به دلیل ناموزون بودن عوامل پایه‌ای اقتصادی دولت‌ها دچار بحران یا چالش اقتصادی می‌شوند یا ملت‌ها به دلیل فقر و نارسایی‌های اقتصادی و معیشتی دچار بحران‌های اجتماعی و حتی بهداشتی می‌شوند و یا به منظور نیل به برخی اهداف من جمله رسیدن به نقطه‌ای از پیش تعیین شده از رشد اقتصادی در حال تلاش هستند، شاهد بروز تضادهای پنهان و پیدای منافع اقتصادی با منافع اجتماعی به ویژه عدم رعایت بسیاری از اصول و استانداردهای محیط زیستی می‌شویم. در دهه‌ی آغازین قرن اخیر به خصوص پس از بحران مالی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ متأسفانه شاهد نابرابری در حال رشد در بسیاری از اقتصادها می‌باشیم که بحران اخیر کرونا و ناهمگونی‌های به وجود آمده در سطح روابط بین‌المللی به آن افزوده است. در جوامع مشکل دارد «در حالی که یک درصد از جمعیت افزایش درآمدی ناشی از رشد اقتصادی دارند، ۴۰ درصد از اقشار پایین جامعه سود ناچیزی از رشد اقتصادی می‌برند» (Baron, Richard; ۲۰۱۷:۳۵). با وجود چنین نابرابری‌هایی تمرکز بر حفظ محیط زیست برای مدافعان که غالباً سازمان‌های عمومی غیر دولتی و مردم نهاد با کمترین پشتوانه‌ی مالی هستند، بسیار سخت می‌شود چرا که در آن واحد هم دولت و هم غالب افراد جامعه هدف غالی خود را رهایی از وضعیت ناخوشایند اقتصادی درگیر در

آن می‌دانند و وادار کردن یا مطیع کردن آنها به رعایت "قواعد نرم"^۱ محیط زیستی آن هم در گستره‌ی بین‌المللی و نه داخلی با آثاری غیر مستقیم و غیر فوری مانند فرسایش خاک، گرم شدن تدریجی کره‌ی زمین یا آب شدن یخ‌های قطب شمال، سخت و گاهی ناممکن می‌شود. در حوزه‌ی بین‌المللی، برای دولت‌ها مسؤلیت بین‌المللی و در حوزه ملی، برای افراد، مسؤلیت مدنی ضمانت اجرای خسارت به دیگران را پیش‌بینی نموده است. از آن جایی که «قاعده کلی این است که تنها رفتار قابل انتساب به دولت در سطح بین‌المللی، رفتار ارگان دولت یا رفتار اشخاصی است که تحت هدایت، تحریک یا کنترل آن ارگان یعنی مأموران دولتی عمل کرده‌اند» (ابراهیم گل، علیرضا؛ ۴۱:۱۳۹۷)، جدایی کلی [شخصیت] واحدهای شرکتی در سطح ملی [از دولت] را حقوق بین‌الملل پذیرفته است مگر در مواردی که پوشش شرکتی صرفاً وسیله یا ابزاری برای تقلب یا فرار از مسؤلیت باشد (ابراهیم گل، علیرضا؛ ۶۸:۱۳۹۷). بنابراین در جایی که اشخاص با هویت شخصی و حقیقی خود چه در قالب شرکت و یا هویت انسانی اقدام به رفتاری نمایند که سبب بروز خسارت به دولتی خاص یا افراد و اشخاص متفاوتی گردد و یا این که سبب بروز آسیب به محیط زیست شود، هیچ ضمانت‌اجرایی تعریف شده‌ای برای پیگیری جبران خسارت به محیط زیست بین‌المللی بجز عرف و قواعد ملی وجود ندارد. اما باید توجه داشت که آن دولت به دلیل خسارت‌های وارده اتباعش تنها در مرزهای تحت حاکمیتش در صورتی که دامنه آن زبان‌ها به خارج از مرزهایش سرایت نموده باشد، بر اساس معاهدات بین‌المللی من جمله بخش دوم مفاد مسؤلیت بین‌المللی دولت‌ها که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تدوین گردیده موظف به جبران خسارت یا اعاده وضع به حالت سابق است و این موضوع نیز به سبب آنکه مسؤلیت بین‌المللی در اساس شکل عرفی دارد (جلالیان، عسکر؛ ۲۵۷:۱۳۹۵) هرگز به منزله‌ی وجود یک قاعده‌ی آمره نیست و با عنایت به ماهیت اصول مسؤلیت بین‌المللی دول، صرفاً به روابط سیاسی فی‌مابین آنها محدود می‌گردد و در مورد افراد شخصی و غیر دولتی نیز قواعد ملی محل وقوع خسارت یا قرارداد بر مبنای حقوق بین‌الملل خصوصی دولت پیگیری‌کننده، ضمانت اجرای آسیب وارده می‌باشد. اما باید به این امر نیز اذعان

^۱ Soft Law

داشت که در روابط تجاری اثبات عامل خسارت و انتساب آن طرفین معامله کار چندان ساده‌ای نیست به ویژه آنکه اخسارت وارده کلی بوده و مربوط به چند کشور مختلف باشد.

بخش چهارم: شرکت‌های چند ملیتی و تضاد منافع با محیط زیست

«شرکت‌های چند ملیتی به سرمایه‌گذاری در سرزمین‌هایی تمایل دارند که دارای قواعد و مقررات زیست محیطی ساده‌تری هستند. زیرا، قوانین ساده‌تر به کاهش هزینه‌های اقتصادی این سرمایه‌گذاران منجر خواهد شد» (رحمانیان؛ قوام آبادی؛ ۱۳۹۵: ۱۱). از آنجایی که معمولاً در سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و به تبع آن تجارت در سطوح کلان و با گستره‌ی جهانی شاهد بروز تعارض منافع با حقوق محیط زیست می‌باشیم، مشاهده می‌شود که در پاره‌ای مواقع که شرکت‌ها بیم خدشه به حیثیت و اعتبار تجاری ناشی از تقابل با افکار عمومی را ندارند به سهولت محیط زیست کشور محل فعالیت یا محل گسیل کالاهای تولیدی خود را قربانی مطامع مادی می‌نمایند. یکی از نمونه‌های بارز پنین اقداماتی، رسوایی شرکت فولوکس واگن بود که با تقلب و دستکاری در سیستم احتراق درونی ۱۱ میلیون اتومبیل دیزلی خود باعث انتشار گازهای گلخانه‌ای فراتر از استانداردهای قابل قبول شده بود. این شرکت نرم افزاری را روی این ۱۱ میلیون خودرو نصب کرده بود که انتشار گازهای نیتروژن در هوا (گازهای سمی متصاعد شده) را خیلی کمتر از میزان واقعی نشان می‌داد. ۱. کوتاهی برتیش پترولوم و نشت نفت در خلیج مکزیک از دیگر نتایج سهل انگاری و تفوق منافع شخصی بر منافع محیط زیستی است که خوشبختانه به دلیل اینکه یکی از طرف‌های خسارت دیده در این دو موضوع دولت ثروتمند و قدرتمندی چون آمریکا بود، منجر به پیگیری و پرداخت خسارت و تلاش برای برگشت اوضاع محیط زیستی به شکل سابق گردید. حال آنکه سالانه شاهد بروز چنین خساراتی از طریق این شرکت‌ها به ویژه در مورد نشت نفت در کشورهای فقیر و کمتر توسعه یافته می‌باشیم که با اعمال نفوذ سیاسی - اقتصادی مدیران شرکت‌ها جهت پرهیز از خسارت یا ارجاع وضعیت به حال سابق، پنهان می‌مانند. بنابراین و با توجه به ابعاد روانی انسان‌ها و حس طمع و خصلت سیری ناپذیر مادی برخی از تجار و مدیران عالی رتبه‌ی شرکت‌های بزرگ چند ملیتی همچنین اعمال

^۱ رسوایی بزرگ فولوکس واگن؛ پایگاه اطلاع رسانی صنعت خودرو، عصر خودرو؛ تاریخ انتشار ۱۳۹۴/۰۹/۲۹ ساعت ۱۶:۳۳ قابل

نفوذ آنها بر ارکان حاکمیتی و یا ضعف و چالش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای فقیر و کمتر توسعه یافته، بدون وجود یک سیستم نظارتی و دارای ضمانت اجرای حقوقی - کیفری در سطح بین الملل و ارایه راهکارهای عملی به منظور همکاری در رفع چالش‌ها و وضعیت‌های چالش برانگیز این کشورها، امکان دستیابی به محیط زیستی مطلوب و عاری از اینگونه مخاطرات بالقوه و حتی بالافعل محقق نخواهد شد. چرا که علیرغم همه‌ی تلاش‌های صورت گرفته در نهادهای بین المللی به ویژه در آنسیترال در تعیین یک تعریف اصولی و غیر موسع از شرکت‌های چند ملیتی تا کنون موفقیتی حاصل نگردیده است. دلیل اصلی آن نیز می‌تواند این باشد که این گونه شرکت‌ها از طریق شعب، شرکت‌های تابعه، شرکت‌های وابسته و یا نهادهای دیگر در کشورهایی غیر از کشور موطن خود نیز به طور فعال دخالت داشته و به انجام فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی مبادرت می‌ورزند. «مادام که قواعد حاکم بر شرکت‌های چند ملیتی در بردارنده‌ی هیچ گونه تعهد قاطعی در زمینه ضمانت اجرایی آن نیست، شاید بتوان چنین تعریف موسع و انعطاف پذیری را مورد قبول قرار داد» (زمانی، سید قاسم؛ ۱۳۹۸:۶۳).

بخش پنجم: عوامل موثر در آسیب به محیط زیست

حقوق محیط زیست در سده‌های گذشته را می‌توان بیشتر از هر چیز در تعالیم دینی و اخلاقی جوامع پیشین جستجو نمود که غالباً تحت عنوان مفهوم عمومی احترام به طبیعت از آن یاد شده و بسیاری از رسوم و آیین‌های به جا مانده از دیرباز که هنوز هم در برخی از فرهنگ‌ها رواج دارند را نمونه بارز آنها دانست. اگر چه در حقوق محیط زیست نوین اولین واقعه‌ی مهم در تدوین و نگارش یک سند بین المللی این حقوق را کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ می‌دانند (پورهاشمی، ازغنده؛ ۱۳۹۲:۲۵). اما قبل از آن نیز معاهده محیط زیستی بین کانادا و ایالات متحده در سال ۱۹۰۲ دریاچه‌های بزرگ، کنوانسیون پاریس ۱۹۰۲ در باره حفاظت از پرندگان و حشرات قابل استفاده در کشاورزی، کنوانسیون واشنگتن ۱۹۰۹ درباره حفاظت از فوک و کنوانسیون لندن ۱۹۳۳ راجع به حفاظت از فون و فلور وحشی، را نام برد (پورهاشمی، ازغنده؛ ۱۳۹۲:۲۴). به طوری که از محتوای کنوانسیون‌ها و معاهدات اولیه حقوق بین الملل محیط زیست نمایان می‌شود، اصلی‌ترین هدف از انعقاد آنها جلوگیری از سوءاستفاده‌های نا به جای اقتصادی و منع گونه‌های

چانوری بوده که شکار و استفاده‌ی بی‌رویه تجاری از آنها باعث آسیب جدی به آنان شده و خطرانی از قبیل خسارت به محیط زیست و انقراض نسل آنها را در پی داشته است. بنابراین می‌توان اذعان داشت اصلی‌ترین و جدی‌ترین خطرانی که از جانب انسان به محیط زیست وارد می‌شود مربوط به فعالیت‌های اقتصادی است و از آنجایی که محصول نهایی فعالیت‌های اقتصادی نیز در اکثر قریب به اتفاق آنها (بجز فعالیت‌های اقتصادی غیر انتفاعی و یا در انحصار دولت) از طریق سوداگری و تجارت به سود منتهی شده و استمرار می‌یابند، می‌توان تجارت را یکی از موثرترین عوامل آسیب به محیط زیست برشمرد؛ چرا که غالب برداشت‌های غیر اصولی و بهره‌برداری‌های ناصحیح و مضر از محیط زیست، در نهایت به شکل داد و ستدهای تجاری به بازده اقتصادی رسیده و سودآور می‌شوند. به دلیل مصونیت دولت‌ها از رسیدگی قضایی و کیفری در سطح بین‌المللی و تکیه بر اصل حاکمیت، فعالیت دولت‌ها در چارچوب مرزها تنها در صورتی شامل حقوق بین‌المللی می‌شود که مغایر با قواعد آمره و بعضاً ارگامنس همینطور تعهدات مبتنی بر معاهدات آن دولت باشد. به عبارتی جامع‌تر، مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها به نحوی شکل می‌گیرد که باعث بروز خسارات به دیگر دول یا نقض یک تعهد اصلی آنان شود. پس فعالیت‌های آنها در درون مرزهای جغرافیای - سرزمینی، آنجا که سبب آسیب به محیط زیست می‌گردد و در حیطه‌ی اقتدار ملی آن دولت قرار دارد مصون از هرگونه مسؤولیت فراملی است؛ مگر آنکه اثبات شود به طور مستقیم باعث بروز خسارت به سایر کشورها و جوامع شده است. «برای آن که به مسؤولیت دولتی، از لحاظ آلودگی فرامرزی استناد نماییم؛ دولت شاکی ابتدائاً باید ثابت کند که عمل زیان‌آور منتسب به دولت خوانده است. سپس کشور زیان دیده باید ۳ عامل دیگر را نیز به اثبات برساند: نقض یک تکلیف بین‌المللی، رابطه‌ی سببیت بین عمل انجام شده و خسارت وارده و سرانجام وجود خسارت مادی» (جلالیان، عسکر؛ ۱۳۹۵: ۲۱۰). این موضوع به ویژه در خصوص فعالیت‌های اقتصادی دولت‌ها آنجایی که نه بر اساس یک شخصیت حقیقی و برای کسب منفعت با سایر اشخاص، بلکه بر مبنای اصل حاکمیت سرزمینی خود و برای منافع حاکمیتی اقدامات و فعالیت‌های اقتصادی انجام می‌دهد. هر چند دربرگیرنده‌ی آسیب به محیط زیست باشد به سختی این قابلیت را پیدا می‌کند که از نظر حقوق بین‌الملل بتوان دولت‌ها را برای اصلاح رفتار نامطلوب تحت فشار قرار داد یا به مسؤولیت بین‌المللی آنها استناد نمود. بنابراین، در باره مسؤولیت دولت‌ها در خصوص رعایت اصول و مبنای

حفاظت محیط زیست و استانداردهای تعریف شده تنها در صورتی مرزگذر بودن آثار آنها امکان پیگیری موضوع از طریق حقوق بین الملل وجود دارد. هر چند در توافق پاریس^۲ در مورد انتشار گازهای گلخانه‌ای ناشی از فعالیت‌های صنعتی و اقتصادی درون مرزی کشورها تصمیمات جامعی اتخاذ گردید، اما هر چند متن این توافقنامه از طریق اجماع ۱۹۷ کشور شرکت کننده در کنفرانس ۱۲ دسامبر ۲۰۱۵ تصویب گردید و تا سال ۲۰۱۷ نیز ۱۴۷ کشور اسناد تصویب را به دبیرخانه کنفرانس ارائه داده و توافقنامه مذکور با استناد به حقوق معاهدات بین المللی از ۴ نوامبر ۲۰۱۶ لازم الاجرا تلقی می‌گردد و علیرغم آن در سال ۲۰۱۹ نیز در COP۲۴ به میزبانی لهستان حدود ۲۰۰ دولت - کشور با امضاء آیین نامه ۱۵۶ صفحه‌ای خود را متعهد به اجرای توافقنامه پاریس نمودند علی‌ایحال تا ۴ سال پس از تصویب کنفرانس، گزارش صندوق جهانی محیط زیست^۳ حاکی از آن است که عملکرد ۱۳۶ کشور از ۱۸۴ کشور امضاء کننده توافق پاریس، میزان پایبندی آنها به تعهداتشان ناکافی بوده است.^۴ سوای این دو عامل و با عنایت به این که شیوهی برخورد جوامع مختلف با محیط زیست ملغمه‌ای از فرهنگ غالب، آموزش، قوانین و مقررات ملی و مهمتر از همه وضعیت معیشتی خانوارها در آن جوامع است که به کلی تحت انقیاد قوانین ملی و درون سرزمینی هر کشوری است، این مبحث علی‌الاصول در چارچوب مباحث این نوشتار نمی‌گنجد. از طرف دیگر؛ بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی دولت‌ها در چارچوب اعمال حاکمیتی آنها صورت می‌پذیرد اما به دلیل عدم سرایت عینی آثار آنها در حوزهی محیط زیست به خارج از مرزهای جغرافیایی - سرزمینی نمی‌توان این گونه رفتار و اقدامات را توسط حقوق بین الملل مورد پیگیری قرار داد و لازم است، با تجکیم سایر معاهدات بین المللی و منطقه‌ای در چارچوب توافقات اصولی مانند توافق پاریس، آنها را تحت انقیاد قرار داد. به همین سبب از تسری این آن به این مختصر نوشتار خودداری می‌نمایم. البته «موافقتنامه‌های منعقدہ یک دولت با سایر دول و یا سازمان‌های بین المللی که جهت اعمال تصدی و انجام

^۱ Cross-border environmental effects

^۲ Accord de Paris (Paris Agreement)

^۳ Global Environment Fund (GEF)

^۴ خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران؛ صندوق جهانی محیط زیست، میزان پایبندی جهانیان به معاهده پاریس کافی نیست؛ ۱۱ آذر ۱۳۹۶؛ ۱۸:۴۴؛ کدخبر ۸۳۵۷۸۰۱۰ قابل دسترس در تارنمای خبرگزاری ۱۴۰۰/۰۲/۱۵ ساعت ۱۲:۳۱

امور بازرگانی و تجاری انجام می‌شود، از شمول معاهدات خارج است؛ زیرا دولت در این موارد همانند یک تاجر عمل می‌کند و چنین موافقتنامه‌ها و قراردادهایی مشمول حقوق بین الملل عمومی نیستند» (شیروی، عبدالحسین؛ ۱۳۹۸: ۳۷). بنابراین این نوع از فعالیت دولت هر چند همانند اعمال تصدی حاکمیتی در چارچوب حقوق بین الملل قرار نمی‌گیرد، اما می‌تواند زیر مجموعه‌ی حقوق تجارت بین الملل باشد و همانند رفتار سایر فعالان اقتصادی غیر دولتی مورد بحث و کنکاش قرار گیرد.

بخش ششم: دامنه‌ی شمول حقوق بین الملل محیط زیست

بر خلاف عواما محیط زیست که همواره بر سراسر فعالیت‌های بشر گسترده هستند و از پایه‌ای‌ترین نیاز آدمی به زندگی، یعنی نفس کشیدن را در بر می‌گیرند؛ متأسفانه مقررات و قواعد یا به عبارتی تکالیف انسان در برابر این نعمت خدادادی هنوز ناقص و ناکافی است و همین نقص باعث گردیده تا با افزایش نفوس و به تبع آن افزایش تعداد متقاضیان به بهره جستن از مواهب محیط زیستی، دخل و تصرف و در پی آن بروز آسیب و خسارت به پایه‌ای فزونی یابد که باعث شکل‌گیری عوامل تهدید کننده‌ی جدید و جدی برای حیات انسان‌ها شود. گرم شدن زمین، آب شدن یخ‌های قطبی، تغییرات اقلیمی، کاهش سطح منابع آب از یک سو و بالا آمدن آب دریاها از سوی دیگر، بروز و فراگیری پدیده‌ی طوفان‌های گرد و خاک، بیابان زایی و جنگل زدایی و امثالهم که متأسفانه در ۵۰ سال اخیر به خصوص دهه‌ی آغازین قرن ۲۱ با شدت هر چه تمام‌تر در حال لطمه به سلامت انسان‌ها هستند. یکی از اصلی‌ترین و بارزترین نمونه‌ی بروز این چالش‌ها استفاده ناصحیح از و غالباً همراه با طمع بشر از محیط پیرامونی خود است که باید با اعمال برخی از قوانین و دستورالعمل‌ها به شکلی مطلوب کنترل و نهادینه شوند. اصلی‌ترین این مقررات، قوانین و دستورالعمل‌های ارشادی و لازم الاجرای محیط زیستی می‌باشند. این قوانین هر چند در حوزه‌ی ملی می‌توانند دارای ضمانت اجرای حقوقی و حتی کیفری باشند در سطح بین المللی که متأسفانه سطح و میزان خطرات بالاتر و بزرگتری دارند فاقد ضمانت اجرای موثری هستند. چرا که در روابط بین المللی، معمولاً ضمانت اجرای کارآمدی بجز اعمال مقابله به مثل یا عمل متقابل و مواردی این چنین، وجود ندارد و این ضمانت اجراها هم به جای این که متاثر از مسائل حقوقی باشند، کاملاً سیاسی هستند. «بر خلاف حقوق بین الملل که عمدتاً بر منافع و رفتار

متقابل دولت‌ها مبتنی است، حقوق بین الملل محیط زیست بر قواعد عام الشمول بنا گردیده است. دولت‌ها بنا به دلایل مختلفی ... علاقه چندانی به حفظ محیط زیست خود ندارند، لذا بایستی حقوق بین الملل محیط زیست بر منابع دیگری نیز علاوه بر آن چه در حقوق بین الملل عمومی وجود دارد، متمسک شود» (پورهاشمی، ارغنده؛ ۱۳۹۲: ۴۳). از آن جایی که محیط زیست معمولاً به طور عام و کلی همه گروه‌ها و افراد جامعه را تحت تاثیر قرار می‌دهد و در کیفیت و حتی کمیت زندگی آنان دخالت می‌کند، بنابراین لازم است تا قواعد مربوط به آن نیز برای همه‌ی گروه‌ها در جوامع و همه‌ی جوامع در کل، اعمال شوند. این یعنی گستره‌ی بی چون و چرای اعمال حقوق محیط زیست هم در سطح ملی و هم در سطح بین المللی.

بخش هفتم: ماهیت حقوق بین المللی محیط زیست

حقوق بین الملل محیط زیست نیز همانند سایر مفاهیم و ماهیت حقوق بین الملل در سایر رشته‌ها و گرایش‌های عملی آن از دو منبع سخت و الزام آور^۱ و نرم و غیرالزام آور^۲ متابعت می‌نماید و از آن جایی که در منابع متعدد تعاریف این مفاهیم به صورت مبسوط ارائه شده‌اند از بیان مجدد آنها خودداری نموده و صرفاً به بیان فهرست‌وار آنها اکتفا می‌شود. مجموعه منابع سخت و الزام آور حقوق بین الملل محیط زیست:

۱- قواعد آمره: مانند ممنوعیت ایجاد عمدی آلودگی فرامرزی و تخریب وسیع محیط

زیست

۲- عرف بین الملل: مانند اصل تعهد به جبران خسارت وارده به محیط زیست توسط کشور آلوده ساز. البته باید یادآور شد که «در حقوق بین الملل محیط زیست، معمولاً قواعد قراردادی به قواعد عرفی تبدیل می‌شوند و بر این اساس وجود قواعد عرفی در زمینه محیط زیست را می‌توان از طریق اسناد بین المللی محیط زیست مورد شناسایی قرار داد» (شیروی، عبدالحسین؛ ۱۳۹۸: ۳۷).

۳- معاهدات بین المللی زیست محیطی: از آن جایی که بر خلاف سایر رشته‌های حقوق بین الملل، حقوق محیط زیست همان طور که قبلاً ذکر شد دامنه‌ی وسیع

^۱ Hard law

^۲ Soft law

و گسترده‌ای دارد و علی‌الاصول عدم رعایت آنها جامعه‌ی جهانی در کل را متاثر می‌کند، تعهدات مبتنی بر این گونه معاهدات مبتنی بر قواعد آرگامنس ۱ می‌باشند و بر مبنای اصل همکاری بین المللی دولت‌ها، آنان در چنین معاهداتی علاوه بر این که در صدد احیاء منافع خود هستند، بایستی بر منافع جامعه جهانی در کل نیز توجه داشته باشند (شیروی، عبدالحسین؛ ۱۳۹۸: ۵۵).

۴- اصول کلی حقوقی: مانند حق حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود که در ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد به شکل ضمنی و در چندین قطعنامه به ویژه قطعنامه‌های شماره ۵۲۳ مورخ ۱۲ ژانویه ۱۹۵۲ و ۶۲۶ مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۵۲ و ۳۷۸ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۵۴ مجمع عمومی به طور قطعی و صریح برآن تاکید شده (حیرانی نوبری، علی؛ ۱۳۷۱: ۲۱۷)، مسؤولیت دولت‌ها به جهت حفاظت از محیط زیست خود، مسؤولیت پرداخت غرامت توسط آلوده ساز و اتخاذ تدابیر احتیاطی و پیشگیرانه.

۵- آراء قضایی و دکترین

۶- با توجه به نوپا بودن حقوق موضوعه‌ی محیط زیست به ویژه آن که غالب فعالیت‌های دولت‌ها که بر محیط زیست تاثیر سوء می‌گذارند در چارچوب صلاحیت ملی و حاکمیت سرزمینی آنها قرار می‌گیرند، معمولاً به جز موارد محدودی از اقدامات مابقی خارج از حدود و مقررات حقوق سخت و الزام آور قرار می‌گیرند. مثلاً برداشت غیر اصولی از منابع آب زیر زمینی در مجاورت مرزها هر چند در صلاحیت سرزمینی کشور استفاده کننده است اما تاثیرات زیست محیطی پنهان و آشکاری نیز بر کشور همسایه می‌گذارد که بنا به ناشناخته بودن این تاثیرات یا تدریجی بودن آنها به واقع اثبات و برآورد خسارت برای کشور زیان دیده بسیار سخت و گاهی در کوتاه مدت ناممکن است و به همین سبب این نوع از مسائل را دولت‌ها از طریق تدابیر غیرالزام آور و قواعد نرم که در معاهدات و توافقنامه‌های دو یا چند جانبه بر روی آنها به تفاهم می‌رسند مورد بررسی قرار می‌دهند. این عاملی

مهم است که منابع غیر الزام آور در حقوق بین الملل محیط زیست را از اهمیتی بیشتر از منابع سخت برخوردار می‌کند.
منابع نرم و غیر الزام آور عبارتند از:

- ۱- قطعنامه‌های توصیه‌ای: مانند توصیه‌های صادره از سوی سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در باره مدیریت منابع طبیعی
- ۲- بیانیه‌ها و اعلامیه‌های اصولی: مانند بیانیه‌های صادره از کنفرانس‌های مهم بین المللی مثل، اعلامیه پایانی کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲
- ۳- برنامه اقدام و دستور کارها: این برنامه‌ها معمولاً اقدام بعدی پس از تصویب اعلامیه‌های اصولی هستند که معروف‌ترین آنها دستور کار ۲۱، مصوب کنفرانس ریو می‌باشد (حیرانی نوبری، علی؛ ۱۳۷۱:۴۷).

بخش هشتم: توجه به محیط زیست در حقوق بین الملل

هر چند حقوق موضوع بین المللی محیط زیست فاقد قدمت تاریخی همانند سایر مباحث حقوقی در این حوزه است اما این عامل بدین مفهوم نیست که در سطح بین الملل و تدوین معاهدات کارشناسان، فعالان و تدوین کنندگان از ضرورت حمایت و حفاظت از محیط پیرامونی خود به ویژه طبیعت و خطراتی که به واسطه دولت‌ها و در روابط دوستانه و یا خصمانه‌ی آنها ممکن است وارد شود، غفلت نمایند. با کمی کنکاش در حقوق بین الملل موضوعه که بر اساس ماهیت آن غالباً شامل معاهدات می‌باشند در می‌یابیم که در بسیاری از حوزه‌های این حقوق به محیط زیست توجه جدی شده است.

حقوق جنگ: یکی از قدیمی‌ترین گرایش‌های حقوق بین الملل، حقوق جنگ یا به تعبیر امروزی، حقوق بین الملل مخصصات مسلحانه است که حداقل در دو مورد از آن با رویکرد حمایتی از محیط زیست، مواجه هستیم. «عهدنامه مورخ ۱۸ مه ۱۹۷۷ که بر اساس آن استفاده نظامی یا هرگونه استفاده‌ی خصمانه از تکنیک‌های تغییر دهنده محیط زیست ممنوع است. این عهدنامه از ۱۵ اکتبر ۱۹۷۸ به مرحله اجرا درآمده است. ... البته در بند ۳ ماده ۳۵ پروتکل الحاقی به عهدنامه‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ نیز مقرراتی در این خصوص دیده می‌شود» (بیگدلی، محمدرضا؛ ۱۳۹۷:۲۰۹).

حقوق بشر: هر جا سخن از حقوق انسان‌ها به میان می‌آید لاجرم سخن از حق بر زندگی در یک محیط سالم پیش کشیده می‌شود و آن جای نیز که سخن از حقوق محیط زیست است، بحث بر سر حفاظت از آن برای سلامت انسان و ایجاد شرایط مطلوب برای برخورداری او از یک محیط طبیعی و اجتماعی برای زندگی است. به عبارتی این دو مجموعه، غالباً یک هدف را از دو طریق و با شیوه‌های مختلفی پیگیری می‌نمایند و آن نیز چیزی جز حق اولیه انسان دال بر داشتن یک محیط امن و سالم برای زندگی و بقای نسل آدمی نیست. بر مبنای همین برداشت بود که در اعلامیه پایانی کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ در مورد این پیوند آمده است: «انسان‌ها از حقوق بنیادین برای داشتن آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه‌ی زندگی با حیثیت و سعادت‌مندانه را بدهد، برخوردار است». علاوه بر این، اعلامیه ریو ۱۹۹۲ نیز در اصل یکم آنجا که از حق انسان‌ها برای برخورداری از حق توسعه سخن به میان می‌آورد و آن را یکی از حقوق بشر معرفی می‌کند از محیط زیست و طبیعت نیز سخن به میان می‌آورد. در ترمینولوژی حقوق بشر، در سطح جهانی از حقوق نسل سوم یاد شده، «برخی مواقع حقوق نسل سوم را حقوق همبستگی نیز می‌نامند، شاخص‌ترین نمونه‌های چنین حقوقی عبارتند از حق صلح، حق توسعه و حق محیط زیست پاک و سالم. ... در سطح منطقه‌ای، منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم در مواد ۲۲ - ۲۴ به ترتیب از حق توسعه، حق صلح و امنیت و حق محیط زیست مطلوب عمومی، سخن گفته است» (شریفی طراز کوهی، حسین؛ ۱۳۹۱: ۱۳۸).

حقوق بین الملل اقتصادی: این نوع حقوق بیشتر معطوف به آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی است که در سطوح کلان جوامع توسط دولت‌ها یا شرکت‌های بزرگ چند ملیتی صورت می‌گیرند. از آنجایی که معمولاً این گونه عملکردها چه در حوزه‌ی تولید و چه خدمات به اشکال مختلفی بر محیط زیست اثرات سوء می‌گذارند در بسیاری از مواقع مورد اختلاف دولت‌ها واقع می‌شوند و در اکثر مواقع نیز دولت‌های متولی این اقدامات به صلاحیت سرزمینی خود استناد می‌کنند. نمونه بارز این فعالیت‌ها و استناد دولت متولی، به صلاحیت سرزمینی خود را می‌توان در مورد حادثه‌ی چرنوبیل جستجو نمود. «امتناع گستاخانه‌ی اتحاد جماهیر شوروی (سابق) از پذیرش هر گونه تکلیف در پرداخت غرامت به آسیب دیدگان ناشی از حادثه انفجار اتمی چرنوبیل در سال ۱۹۸۶ فقط ممکن است فتح بایی برای ورود در یک روند جنجال برانگیزی باشد. ... متأسفانه در مورد میزان تشعشعات

قابل اغماض و مسامحه هیچ توافق شناخته شده‌ی بین المللی وجود ندارد. همچنین در مورد ایجاد دادگاه بین المللی حمایت از محیط زیست توافق حاصل نشده است. چنین دادگاهی اگر ایجاد شود، باید مشابه دیوان دائمی داوری برای سازمان‌های غیر دولتی و افراد انسانی نیز قابل دسترسی باشد» (زمانی، سید قاسم؛ ۱۳۹۸: ۲۳۵). اگر چه اتفاقات و حوادث اتمی بنا به شدت آسیمی که به محیط زیست در دامنه‌ای وسیعی وارد می‌کنند حائز اهمیت فوق العاده‌ای هستند، اما به جز این موارد فعالیت‌های مخرب دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند تبعات بسیار گسترده‌ای به محیط زیست وارد آورند؛ از قبیل سرازیر شدن فاضلاب‌های صنعتی به رودخانه‌ها، دریاها و آب‌گذرها که معمولاً با اغماض و سهل‌انگاری بعضی از دولت‌ها همراه است یا نشت نفت از تاسیسات بزرگ نفتی مستقر در دریاها یا آلودگی ناشی از عدم تصفیه صحیح دود حاصل از فعالیت کارخانه‌های بزرگ و امثالهم که هر چند در سیستم بین المللی، مسؤولیت جبران خسارت توسط دولت آلوده ساز را به همراه دارد اما در مواردی که منشاء آلودگی از چند کشور مختلف و همجوار باشد، وضعیت پیچیده و سخت خواهد بود. با عنایت به گستردگی موضوعات اقتصادی و پیچیدگی ارتباطات و روابط اقتصادی بین المللی در سطح دنیا و انعقاد معاهدات اقتصادی متعدد فیما بین آنها که گاهی در تضاد با معاهدات زیست محیطی قرار می‌گیرند و دولت‌ها امکان استناد به صلاحیت حاکمیتی خود را دارند، وضعیت فوق العاده مبهم می‌گردد. اگر چه کنوانسیون‌های متعدد محیط زیستی به ویژه دستور کار ۲۱ به شکل موثری به این وضعیت‌ها پرداخته است اما هنوز در خصوص ضمانت اجرای بین المللی تخلفات اقتصادی دولت‌ها که به محیط زیست عمومی آسیب می‌رسانند به جز همان اصل جبران خسارت توسط آلوده ساز که فاقد سازوکار حقوقی منسجمی است و بیشتر بر واکنش مقابله به مثل دولت‌ها که به دلیل تشدید آلودگی در محیط زیست اصولاً ناکارآمد و غیر قابل عمل است، هیچ ضمانت اجرای حقوقی و یا کیفری اندیشیده نشده است. با توجه به این نکته که غیر ممکن است دولتی محیط زیست دولت دیگری را به مخاطره افکند بدون آنکه محیط زیست قلمرو خودش به خطر افتد، در اجرا و اعمال حقوق بین المللی محیط زیست، نواقص عمده‌ای مشاهده می‌شود. اما لازم به ذکر است که علیرغم وجود این نواقص می‌توان به برخی از اقدامات موثر سازمان‌های بین المللی امید بست. آن جایی که به طور مثال «وام‌های بانک جهانی فقط پس از ارزیابی زیست محیطی کارشناسان بانک جهانی (مشروط بودن اعطای

وام) که تصمیماتش توسط یک هیات بازرسی مورد بررسی قرار می‌گیرد، اعطا خواهد شد» (زمانی، سید قاسم؛ ۱۳۹۸:۲۳۲).

حقوق تجارت بین الملل: تجارت آن هم در سطح کلان و بین المللی را نمی‌توان مطلقاً مضر یا مطلقاً مفید به حال طبیعت و محیط زیست دانست. به همان اندازه که بعضی از فعالیت‌های تجاری سبب بروز آسیب به محیط زیست می‌شوند برخی از آنها مانند توسعه تکنولوژی از طریق داد و ستد کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای که باعث کاهش مضرات زیست محیطی می‌شوند، نقشی مثبت در سلامت آن و در نتیجه سلامت و رفاه آدمی ایفا می‌کنند. اما بنا به آن چه دوباره متذکر می‌شویم، خصوصیت روانی برخی از افراد بشر که همراه با طمع و زیاده‌خواهی یا عدم دانش و آگاهی اوست و در اغلب اوقات هر دو عامل با هم، باعث می‌شود که در فرایند تجاری چه در عرصه ملی و چه در حوزه بین المللی با نادیده گرفتن برخی از اصول و قواعد زیست محیطی یا حتی عرف‌های تجاری رایج، خسارت‌های جبران ناپذیری به طبیعت و محیط زیست وارد گردد. تجارت بی رویه برخی از گونه‌های جانوری و گیاهی به ویژه در آغاز سده‌ی ۱۹ میلادی باعث انقراض بعضی از گونه‌های سودمند جانداران در کره زمین شد. شیوه‌های تولید برخی از کالاها و خدمات ایجاد آلودگی می‌کند که در نهایت محصولات این گونه فرایندهای تولیدی آلاینده در قالب شیوه‌های پیدا و پنهان تجارت، منتج به سودآوری و در نتیجه استمرار فعالیت‌های غلط و خسارت بار می‌گردد. برای چاره اندیشی، بسیاری از دانشمندان و فعالان اجتماعی به خصوص دوستداران محیط زیست حتی قبل از کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ و در اوایل قرن بیستم، با فشار بر دولت‌ها و مجامع بین المللی باعث انعقاد معاهداتی شده‌اند که به مرور باعث ایجاد یک رویه عرفی - قانونی به مثابه قاعده‌ای آمره شده است. به عنوان مثال تجارت عاج فیل، (هر چند هنوز هم در برخی از نقاط آسیا و آفریقا به شکل قاچاق رواج دارد)، در همه‌ی سطوح بین المللی و همه کشورهای دنیا حتی کشورهایی که محل زندگی این جانور نیست، ممنوعیت تجارت آن، به عنوان یک قاعده‌ی آمره بین المللی پذیرفته شده است. علیرغم همه این تلاش‌ها و به رغم کنفرانس‌ها و معاهداتی که در خصوص حمایت از و حفاظت از محیط زیست تصویب و اجرایی شده است، با کمال تاسف هنوز نیز آن چنان که بایسته‌ی حفاظت از کره زمین، تنها مسکن و ملاوی آدمی و تنها تامین کننده‌ی نیازهای اوست، قواعد و مقررات حقوقی مستحکم و منسجمی اعمال نشده است. در مورد حفاظت محیط زیست،

تضاد منافع چه در میان دولت‌ها به عنوان تابعان اصلی حقوق بین الملل و چه شرکت‌های بزرگ فراملیتی به عنوان تابعان فرعی و وابسته و چه سرمایه‌گذاران و تجارت شخصی، باعث ناکارآمدی این حقوق در سطح بین المللی شده است. «موضع‌گیری‌های متفاوت کشورها در قبال چشم اندازهای محیط زیستی جهان از جمله کشورهای شمال که امکان نفوذ و هدایت بودجه‌های بین المللی و سرعت بخشیدن به فرایندهای مختلف را دارند، یک منبع نگرانی است. به طور مثال، امتناع ایالات متحده آمریکا نسبت به تصویب توافق عمده در دولت‌های اخیر و در نتیجه تنش‌های ایجاد شده با اروپا و ژاپن و اعتراض کشورهای جنوب، می‌تواند تاثیر قابل توجهی در روند حاکمیت بین المللی محیط زیست داشته باشد» (جوادی، علیرضا و همکاران؛ ۱۳۹۷:۱۳۴). بنابراین نمی‌توان این موضوع را نادیده گرفت که معمولاً حقوق بین الملل به دلیل نداشتن ضوابط اجرایی قوی و موثر به ویژه ضمانت اجرای قواعد آن به دلیل ویژگی‌های سیاسی مبتنی بر قدرت و صلاحیت سرزمینی دولت‌ها در اغلب مواقع در روابط فیما بین دول قربانی می‌شوند. حتی اگر این حقوق متعلق به حفظ محیط زیست باشد که بر سلامت و امنیت جانی و روانی حاکمان و مردمان همین دولت‌ها تاثیر می‌گذارد. به همین مناسبت است که حقوق بین الملل محیط زیست نیز مانند برخی دیگر از قواعد حقوق بین الملل در روابط سیاسی، قربانی می‌شود. نمونه بارز چنین موضوعاتی، اهداف و ویژگی ضوابط و رفتار مربوط به عوامل پایش و حفظ سلامت محیط زیست در موافقتنامه‌های پایه‌ای سازمان تجارت جهانی است.^۱ «قوی ترین مقررات تجاری در سطح جهان پس از تاسیس سازمان ملل و "کنفرانس برتون وودز"^۲ و تاسیس "صندوق بین المللی پول"^۳ و "بانک جهانی"^۴ که به منظور سامان دادن به وضعیت پولی و مالی جهان تشکیل شد با یک تلاش ناکام در تاسیس سازمان تجارت جهانی (ITO) مواجه شد. (این سازمان به دلیل عدم موافقت کنگره آمریکا هرگز ایجاد نشد). اما موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) موازینی را در خصوص آزادسازی تجاری تدوین کرد که در سال ۱۹۹۵ نهایتاً به تاسیس سازمان تجارت جهانی انجامید» (جلالی، محمود و همکاران؛ ۱۳۹۷:۲۹). این سازمان امروز

^۱ world Trade Organization (WTO)

^۲ Bretton-Woods Conference

^۳ International Monetary Fund

^۴ The World Bank

متولی حفظ نظم و انسجام تجارت و روابط تجاری در سطح بین الملل فیما بین اکثریت کشورهای دنیا است و براساس موافقتنامه‌هایی که اعضای آن با هم امضاء و تصویب می‌کنند روابط تجاری در دنیا را تبیین نموده و شکل می‌دهد. به همین دلیل می‌تواند موثرترین مؤلفه و عامل برای برقراری ضوابط و استانداردهای حفاظتی محیط زیست در حوزه تجارت و سرمایه‌گذاری در جهان باشد. هر چند به جرات می‌توان گفت: در سال ۱۹۴۸ که نطفه WTO با انعقاد و شکل‌گیری موافقتنامه GAT شکل گرفت، حفاظت از محیط زیست به دلیل ناشناخته بودن اهداف و ضرورت‌های اساسی آن اصولاً جایی در مذاکرات و حتی اهداف آن نداشت. اما پس از آن و آشکار شدن خسارت‌های هولناکی که بشر در پی برداشت‌های بی‌قاعده از منابع طبیعی، دست‌درازی‌های بی‌وقفه، نامحدود و غیر اصولی به محیط زیست و نحوی تولید و استخراج مواد کانی و هیدروکربن‌ها به کره زمین و جود وارد می‌کرد، اعضای آن سازمان که در ابتداء می‌توان آنها را عضو موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت نامید، سعی کردند در گفتگوهای دو و چند جانبه‌ی خود موضوع حساس محیط زیست را وارد کنند و در نهایت پس از تاسیس سازمان و در رکن حل و فصل اختلافات به چالش‌های محیط زیستی اعضا که به واسطه‌ی تجارت میان آنها بروز و ظهور می‌نمود، رسیدگی نمایند. البته باید توجه داشت که در موافقتنامه عمومی نیز دو بند «ب» و «ز» از ماده ۲۰ مقرراتی را احصاء نموده که به کشورهای عضو اجازه می‌دهد برای حفاظت، سلامت و حیات انسان، حیوان و گیاه اقداماتی به عمل آورند و هیچ چیز در موافقتنامه گات نبایستی به گونه‌ای تفسیر شود که مانع از اجرای این اقدامات توسط دولت‌ها شود (جلالی، محمود و همکاران؛ ۱۳۹۷: ۲۹). و در بند «ز» همان ماده اشعار می‌دارد: این گونه اقدامات باید منحصر به مواد تجدید ناپذیر و همراه با اعمال محدودیت بر تولید یا مصرف داخلی باشد. هر چند در برخی از مواقع شورای موافقتنامه‌ها به تقاضاهای برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد^۱ برای ورود به آن شورا به عنوان مقام ناظر سرباز زده است.^۲ اما نمی‌توان انکار کرد، موضوع محیط زیست در اتحادیه اروپا^۳ که متکی بر تجارت آزاد است دست کم گرفته شده است. لاقلاً در دو معاهده‌ی مهم آن اتحادیه یعنی معاهدات "رم ۱۹۷۵" و

^۱ UNITED NATIONS ENVIRONMENT PROGRAMME (UNEP)

^۲ تقاضای رسمی یونپ از شورای GATS برای ورود به آن شورا با مخالفت صریح اکثریت اعضا قرار گرفت و رد شد.

^۳ European Union (EU)

"ماستریخت ۱۹۹۲" حفاظت از محیط زیست و ادغام مقررات و استانداردهای آن در سیاست‌های آن اتحادیه شکل واقعی به خود گرفته است و حداقل به شکل رسمی و جدی در روابط تجاری اعمال می‌شوند.

این دو نهاد بین‌المللی یعنی اتحادیه اروپا و سازمان تجارت جهانی که به عنوان دو سازمان بین‌المللی موثر بر تجارت جهانی نقش ایفا می‌کنند، تنها بر روابط تجاری بین کشورهای عضو و تاثیر بر برنامه‌های اقتصادی و بازرگانی آنها نظارت می‌کنند و به شکلی می‌توانند در بازبینی برخی مقررات صادرات و واردات و اعمال قواعد ناظر بر آنها نقش مثبتی در الزام به اعمال استانداردهای محیط زیستی ایفاء کنند. اما هرگز نتوانسته‌اند بر روابط تجاری اشخاص حقیقی که سهم عمده‌ای از تجارت بین‌المللی را دارند به شکل مستقیم اعمال نظر نموده و باعث و بانی هدایت آنها به سمت و سوی احترام نهادن به استانداردها و مقررات زیست محیطی در روابط مالی - تجاری گردند.

علاوه بر این، سایر نهادها و سازمان‌های بین‌المللی که در حوزه تجارت و حقوق تجارت بین‌المللی بازیگری می‌کنند مانند آنسیترال، نیز نتوانسته‌اند با اتخاذ پیوندی محکم با یونپ که هر دو زیر مجموعه سازمان ملل متحد هستند در شکل دهی قوانین لازم‌الاجرای زیست محیطی و یا نمونه قوانین واحد تجاری - زیست محیطی که به طور یکسانی در همه دولت‌ها قابل اجر بوده و گستره‌ی بین‌المللی داشته باشند، موثر و کارآمد وارد شوند. شاید در حوزه‌های بین‌الدولی و در ارتباط با موضوعات فیما بین دولت‌ها حتی در مباحث اقتصادی و تجاری، معاهدات و توافقنامه‌های متعددی شکل گرفته باشد که بر حل مسائل و حفاظت از محیط زیست استوار باشند اما در ابعاد تجارت بین‌المللی و نظم دادن به رفتار بازرگانان به شکلی که تضاد منافع آنان با محیط زیست به صورت تکمیلی یا آمرانه رفع گردد، هیچ حقوق موضوعه‌ای وجود ندارد و این خلاء قانونی در حقوق بین‌الملل محیط زیست به شدت احساس می‌شود.

نتیجه گیری

پس از حادثه تراژدیک یازدهم سپتامبر و آشکار شدن نقش مبادلات و مراودات مالی تروریست‌بین‌المللی، قواعد و مقررات خاص و سختگیرانه‌ای بر تجار و بازرگانان به ویژه در نقل و انتقالات مالی وضع گردید و به شکل کاملاً آمرانه‌ای در سراسر دنیا در مدتی کوتاه به

نسبت وضع، ترویج و اجرای مقررات بین المللی، اجرایی گردیدند ولی علیرغم این واقعیت که مخاطرات و خسارات زیست محیطی نیز به لحاظ شدت صدماتی که به بشریت وارد می-کنند، دست کمی از خسارات و صدمات وارده از طریق تروریست‌های بین المللی ندارد، (خسارت به محیط زیست به طور قطع نسل‌های بعدی را نیز درگیر می‌کند و تنها به وضعیت حال خلاصه نمی‌شود). می‌توان باور داشت که در این مورد نیز با همکاری سازمان‌های بین المللی دولتی و غیر دولتی و استعدادهای نهفته‌ی سازمان‌های مردم نهاد داخلی بین المللی قواعد و مقررات زیست محیطی ناظر بر تجارت و سرمایه‌گذاری بین المللی وضع نمود و دولت‌ها، نهادها و سازمان‌های بین المللی را مکلف نمود تا بر فعالیت‌های محل محیط زیست بازرگانان، نظارت جدی‌تری اعمال نمایند و تخلفات تجاری آنان را مطابق این قوانین و مقررات یکسان بین المللی پیگیری حقوقی نمایند. یونپ، با الهام از کنفرانس‌های متعدد برگزار شده از سال ۱۹۷۲ تا کنون و با امعان نظر به معاهدات زیست محیطی و با هماهنگی و همکاری اتحادیه اروپا، سازمان تجارت جهانی، شورای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، شورای حقوق بشر، کمیسیون حقوق بین الملل، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، سازمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای به ویژه با راهنمایی و مساعد آنسیترال، اقدام به شناسایی و معرفی کالاها، عوامل، فرایندهای تولید و توزیع و وضعیت‌هایی نماید که با داد و ستدها و مبادلات تجاری در سطوح بین المللی و منطقه‌ای و با مقادیری مشخص و معلوم باعث صدمه و آسیب به محیط زیست می‌شوند. این موارد می‌تواند شامل، تجارت مواد اولیه و خام معدنی و واسطه‌ای و حتی سرمایه‌ای، کالاهای تولیدی شرکت‌هایی که روند تولید آنها خارج از ضوابط محیط زیستی و آلاینده هستند، همینطور افراد و اشخاص حقوق خصوصی و دولتی شوند که سوابق کاری آنها بدون هر گونه اصلاحی به محیط زیست در منطقه یا جهان آسیب جدی وارد نموده است.

در این راستا، می‌توان از مقررات سفت و سخت بانکی که به منظور کنترل فعالیت‌های تروریستی در دو دهه‌ی اخیر وضع شده‌اند نیز کمک گرفت و از نقل و انتقال مبالغ مالی مربوط به تجارت عوامل محل و مخرب محیط زیست جلوگیری نمود. به هر حال خلاء موجود در نظارت قوانین حقوق بین الملل محیط زیست بر تجارت بین المللی آن قدر مشهود است که اقدامات فوری را طلب می‌کند.

منابع و ماخذ

منابع فارسی

الف: کتب

- ۱- زایدل هومن، فلدرن (۱۳۹۸). حقوق بین الملل اقتصادی، ترجمه، سید قاسم زمانی، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی
- ۲- ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۷). مسؤلیت بین المللی دولت، متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین الملل، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی
- ۳- جلالیان، عسکر (۱۳۹۵). حقوق بین الملل محیط زیست (مجموعه مقالات)، تهران، نشر دادگستر
- ۴- پورهاشمی، سید عباس و ارغنده، بهاره (۱۳۹۲). حقوق بین الملل محیط زیست؛ تهران؛ نشر دادگستر
- ۵- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۸). حقوق تجارت بین الملل؛ تهران، انتشارات سمت
- ۶- بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۷). حقوق جنگ، حقوق بین الملل مخاصمات مسلحانه؛ تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
- ۷- کریستیان، تاموشات (۱۳۹۱). حقوق بشر، شریفی طراز کوهی، حسین، تهران، بنیاد حقوقی میزان

ب: مقالات

- ۱- شیخ حسنی، حسین (۱۳۹۳)، «فقر خطرناک‌ترین عامل فروپاشی و آلودگی محیط زیست (چرخه سریر فقر و تخریب محیط زیست)»، اولین کنفرانس بین‌المللی مهندسی محیط زیست، تهران
- ۲- رنجبرزاده، جواد (۱۳۹۹)، «اینکوترمز در حقوق تجارت بین الملل»، فصلنامه قانون یار، دوره چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۹۹، صفحات ۵۱ تا ۷۲
- ۳- رحمانیان، سمیه و رضانی قوام آبادی، محمد حسین (۱۳۹۵)، «بررسی انتساب مسؤلیت زیست محیطی شرکت‌های چند ملیتی فرعی به شرکت‌های

اصلی در دعاوی خصوصی»؛ فصلنامه تحقیقات حقوقی؛ شماره ۷۶؛ صفحات ۱۱۰ تا ۱۳۰

- ۴- ب، برامز؛ ترجمه: علی حیرانی نوبری (۱۳۶۸)، «حمایت بر منابع طبیعی»؛ مجله حقوقی بین المللی، شماره ۱۱، صفحات ۲۲۱ تا ۲۳۴
- ۵- جوادی، علیرضا و همکاران (۱۳۹۷)، «ظرفیت‌ها و محدودیت‌های توسعه و تدوین حقوق بین الملل محیط زیست»؛ فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست؛ دوره بیستم؛ شماره یک، شماره پیاپی ۷۶، صفحات ۱۳۱ تا ۱۳۹
- ۶- جلالی، محمود و همکاران (۱۳۹۷)؛ «رابطه تجارت آزاد و حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل»؛ مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی؛ دوره ۲۲، شماره ۳، صفحات ۲۷ تا ۵۶

English Reference:

Articles:

- ۱- Baron, Richard; "Trad and Environment Interactions: Governance Issues"; Background paper for ۳۵th Round table on sustainable Development at the OECD Justine Garrett; OECD Environment director at, ۲۸-۲۹ Jun ۲۰۱۷

برگردان منابع فارسی به انگلیسی:

Persian resources:

A: Books

- ۱- Seidel-Hohenveldern, Legnaz, (۲۰۲۰). International Economic Law, translation: Seyed Ghasem Zamani, Tehran, Institute of Legal Studies and Research
- ۲- Ebrahim Gol, Alireza (۲۰۱۸). International responsibility of the State, text and description of the International Law Commission, Tehran, Institute of Legal Studies and Research
- ۳- Jalalian, Askar (۲۰۱۶). International Environmental Law (collection of articles), Tehran, Dadgostar Publications

- ۴- Pourhashemi, Seyed Abbas and Arghandeh, Bahareh (۲۰۱۳). International Environmental Law; Tehran; Dadgostar Publications
- ۵- Shirvi, Abdul Hussein (۲۰۲۰). International Trade Law; Tehran, SAMT Publications
- ۶- Bigdeli, Mohammad Reza (۲۰۱۸). Law of War: The Law of International Armed Conflicts; Tehran, Allameh Tabatabai University Press
- ۷- Christian, Tomuschat (۲۰۱۲). Human Rights, Translated: Sharifi Tarazkoochi, Hossein, Tehran, Mizan Legal Foundation

B: Articles:

- ۱- Sheikh Hassani, Hossein (۲۰۱۴), "Poverty is the most dangerous cause of environmental collapse and pollution (cycle of poverty and environmental degradation)", the first International Conference on Environmental Engineering, Tehran, available at: <https://civilica.com/doc/۳۴۷۹۸۸>
- ۲- Ranjbarzadeh, Javad (۲۰۲۰), "Incoterms in International Trade Law", Qanun Yar Quarterly Journal, Volume ۴, Number ۱۵, PP. ۵۱-۷۲
- ۳- Rahmanian, Somayeh and Ramezani Ghavamabadi, Mohammad Hossein (۲۰۱۶), "Study on the attribution of environmental responsibility of multinational subsidiaries to the main companies in private lawsuits"; Legal Research Quarterly Journal; No. ۷۶; PP. ۱۱۰ to ۱۳۰
- ۴- B, Brahms; Translation: Ali Hirani Nobari (۱۹۸۹), "Support for Natural Resources"; International Law Journal, No. ۱۱, pp. ۲۲۱-۲۳۴
- ۵- Javadi, Alireza and porhashmeh Seyed Abbas and Shirazian, Shirin (۲۰۱۹), "Capacities and Limitations of Development and

Codification of International Environmental Law"; Quarterly Journal of Environmental Science and Technology; Twentieth period; Number one, consecutive number ۷۶, PP. ۱۳۱ to ۱۳۹